**نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن**

**گفتگو با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری**

**انترناسیونال: درکنگره دهم حزب  قراری در باره "نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن" به تصویب رسید. میزان نفوذ و اهمیت ناسیونالیسم ترک به چه اندازه است؟**

**محسن ابراهیمی:** ناسیونالیسم ترک در حال حاضر نفوذی ندارد. هیچ بخش قابل توجهی از جامعه را به خود جلب نکرده است. جنبشی نیست که پشتوانه سیاسی اش حمایت علنی بخشی یا اقشار معینی از جامعه باشد. ناسیونالیسم ترک در حال حاضر شامل طیفی از فعالین هستند که اساسا در رسانه های اجتماعی فعالند. بخشا به عنوان صاحب نظر افکار نژادپرستانه را ترویج میکنند و بخشا هم بر اساس همین افکار در تلویزیون و سایتها و فیسبوک و تلگرام و سایر امکانات اینترنتی به تبلیغ و تهییج و نفرت پراکنی علیه بخشهای دیگر مردم ایران مشغولند.

در نتیجه اهمیت دادن به ناسیونالیسم ترک به دلیل نفوذ اجتماعی نیست بلکه به دلیل خطراتی است که در آینده میتواند در مقابل مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به رهایی و زندگی برابر و انسانی داشته باشد. تحرک نوشتاری و تصویری ناسیونالیستی امروز میتواند ماتریال فعالیتهای جدیتر نژاد پرستانه و نفرت افکنانه در آینده باشد.

همه میدانیم که جامعه ایران آبستن تحولات بزرگی است. حکومت اسلامی مورد چالشهای جدی است که دیر یا زود به چالشی بزرگتر برای پایان دادن به عمرش منجر خواهد شد. مثل همه جوامع در بحران، اینجا هم انواع نیروهای سیاسی از همین الان مشغولند و خودشان را آماده میکنند تا فردا در تحولات مربوط به قدرت سیاسی نقش ایفا کنند. هدف ناسیونالیسم ترک این است که در جریان سرنگونی حکومت اسلامی درکل ایران، در منطقه ای از ایران قدرت را بدست گیرد و بساط لفت و لیس ملی راه بیاندازد.

ناسیونالیسم قوم پرست یک نیروی مخرب سیاسی است که کارکرد مخربش بیشتر میتواند در یک خلاء سیاسی خود را نشان دهد. اینها در صورتی میداندار میتوانند بشوند که مردم انقلابی، نیروهای آزادیخواه، سکولار و برابری خواه نتوانند در مقطعی که به سرنگونی حکومت اسلامی خیز برداشته اند تکلیف حکومت را فورا یکسره کنند، قدرت سیاسی را بدست بگیرند و اراده سیاسی خود را در قالب حکومت اعمال کنند.

لازم است تاکید کنم که ناسیونالیسم برای اخلال در روند مبارزه سیاسی جامعه ای که آزادی و برابری میخواهد لازم نیست نفوذ توده ای داشته باشد. برای چنین کاری نفوذ سیاسی لازم نیست. پول و اسلحه و آدمکش لازم است. پول و اسلحه اش را دولتها تامین میکنند. آدمکشش را هم ناسیونالیسم با تحریکات شبه مذهبی تولید میکند.

همینجا بگویم که در مقابل تحقق چنین هدف شومی نیروهای وسیعی در جامعه وجود دارند که آرزوها و اهداف و خواستشان با خط سرخی به هم وصل میشود: آزادی، برابری و زندگی انسانی. در این مورد متیوانیم در سئوالات بعدی مفصلتر صحبت کنیم.

**انترناسیونال: ناسیونالیسم ترک و جمهوری اسلامی با هم چه رابطه ای دارند؟**

**محسن ابراهیمی:** قبل از هر چیز لازم است روی این حقیقت تاکید کنم که بخشهای زیادی از ناسیونال-فاشیستهای ترک دمشان به وزارت اطلاعات و حکومت اسلامی بند است. یا بهتر است بگویم زائده وزارت اطلاعات هستند که قیافه اپوزیسیون به خودشان میگیرند. وزارت اطلاعات مدتهاست از طریق این مزدوران ناسیونال - فاشیستش مخصوصا در مناطقی از آذربایجان که کردزبانها و ترک زبانها در کنار هم زندگی میکنند به تحریکات بیشرمانه علیه مردم کردزبان این مناطق دست زده است. باندی که امروز درجایی فریاد میزند "هارای هارای من تورکم" و فردا در مقابل زندان ارومیه جمع میشود و خواهان اعدام کسانی میشود که در حمایت از مقاومت کوبانی علیه داعش دستگیر شده اند معلوم است که از خود حکومت اسلامی است. هم سنخ این حکومت است. کسانی که به ملاحسنی اقتدا میکنند و خواهان برپا کردن مجسمه این جنایتکار قارنا و قالاتان در ارومیه هستند معلوم است که زائده های اسلامی - ناسیونالیستی وزارت اطلاعات در ارومیه هستند.

اما در سطح تحلیلی عمومی تر، حکومت اسلامی و ناسیونالیسم از هر نوع و رنگش به همدیگر نیاز سیاسی دارند. فعلا بحث ناسیونالیسم ایرانی را کنار میگذاریم که سران حکومت اسلامی مدتهاست درحال رنگ آمیزی اسلامشان با رنگ و لعاب ناسیونالیسم ایرانی هستند. این بحث مفصلتری است که در جای دیگر باید دنبال کنیم.

اما تا آنجا که به ناسیونالیسم ترک مربوط است، اینها هم مثل همه قوم پرستان دیگر موجودیتشان را مدیون حکومتی هستند که بنیادش بر تبعیض - از جمله تبعیض و ستم ملی - استوار است. ناسیونالیسم قوم پرست ترک - همچنین ناسیونالیسم کرد و عرب وغیره - بدون تبعیض و "ستم ملی" موضوعیت ندارد. حکومت اسلامی با ادامه تحقیر و ستم ملی در مورد مردم مناطقی مثل خوزستان و کردستان و بلوچستان و آذربایجان به اندازه کافی ماتریال فراهم میکند که ناسیونالیسم قوم پرست روی آن سرمایه گذاری کند.

متقابلا، نیاز حکومت اسلامی به ناسیونالیسم قوم پرست از سر خدمات سیاسی متنوع و ارزنده اش است. برای مثال اتحاد و همبستگی سیاسی کارگران و مردم محروم برای حکومت اسلامی بسیار هراس انگیز است. در این زمینه چه جریانی بهتر از ناسیونالیسم که شغلش تفرقه افکندن میان بخشهای مختلف مردم مبارز است میتواند به یاری حکومت اسلامی بیاید.

یک کارکرد دائمی ناسیونالیسم این است که از طریق مهندسی دشمنهای تخیلی به چشم مردم مبارز در مقابل دشمن مشترکشان یعنی جمهوری اسلامی خاک بپاشد. به چشم کارگران در مقابل طبقه سرمایه دار و حکومتشان خاک بپاشد. برای مثال در ادبیات سیاسی ناسیونالیسم ترک دشمن جمهوری اسلامی نیست. دشمن "حکومت ایران" است، "استعمار ایران" است، "فارسها" و فارسیستها" هستند. آنها میخواهند "فارسها را تا کرمان دنبال کنند". این هم یکی از جلوه های قرار گرفن در مقابل جنبش سرنگونی طلب رادیکال است که خواهان پایان دادن به حیات حکومت اسلامی و تبعیض و نابرابری است.

این نیاز و رابطه متقابل گاها آنقدر جدی است که به همکاری علنی شان منجر میشود. برای مثال بخشی از ناسیونالیستهای ترک علنا در شعبده بازیهای انتخاباتی حکومت اسلامی آتش بیار معرکه میشوند. بخشا پشت کاندیدهای ترک "ذوب شده در ولایت فقیه" مثل لمپن شناخته شده ای به نام قاضی پور میروند. بخشا به زائده ای از ملی - اسلامیهای همیشه در صحنه تبدیل میشوند و برای فرستادن "ترکهای اصلاح طلب" به نهادهای دزدی و چپاول اسلامی مثل مجلس فعالیت "انتخاباتی" میکنند.

ما در سالهای گذشته شاهد تلاشهای بسیار آگاهانه در میان نهادهای مرتبط با حکومت اسلامی برای دامن زدن به نفرت نژادی بوده ایم که هدفی نداشت جز میدان فراهم کردن به تحرکات ناسیونالیستی در آذربایجان. هدفی نداشت جز اینکه اولا توجه مردم را از درد مشترک و دشمن مشترک و مبارزه مشترک منحرف کند و اتحاد مردم در مقابل رژیم اسلامی را تضعیف کند.

برای مثال، 11 سال پیش روزنامه دولتی ایران با تشبیه مردم آذربایجان به سوسک به چنین تحریکاتی دست زد و وتقریبا یکسال پیش هم برنامه "فتیله" در صدا و سیما بود که رسما در یک برنامه کودک بخشی از مردم ایران را مثل کودن و احمق به تصویر کشید. البته در همه این موارد ما در آذربایجان با اعتراضات وسیعی مواجه شدیم که مشخصه اصلیشان دفاع مردم از حرمت انسانی خودشان در مقابل نفرت پراکنی راسیستی - نژادی نهادهای دولتی بود.

**انترناسیونال: برخورد گروههای مختلف مردم آذربایجان در مقابل ناسیونالیسم ترک چگونه است؟**

**محسن ابراهیمی:** درایران جمهوری اسلامی نه امکان نظر سنجی وجود دارد که بتوان تصویری واقعی از گرایش ساسی بخشهای مختلف مردم در مورد مسائل سیاسی داشت و نه آزادی سیاسی وجود دارد که گرایشهای سیاسی در قالب احزاب و تشکلها درجه نفوذ سیاسی شان معلوم شود.

با این وجود یک مشاهده ساده هم این را نشان میدهد که در آذربایجان ناسیونالیسم ترک مثل یک جنبش شناخته شده صاحب نفوذ نیست که بخشهای مختلف مردم به مثابه طرفدار یا مخالف آن دسته بندی شوند.

در آذربایجان هر از گاهی با تحرکهای ناسیونالیستی مواجه هستیم که قبلا در مواردی در تجمعات قلعه بابک یا در جریان هیجانات بازیهای فوتبال با شرکت تیم تراکتورسازی خود را نشان میداد. ولی در مقابل، اعتراضات اجتماعی وسیعتری مخصوصا در قالب اعتراضات کارگری رخ میدهد که اثری از شعارها و مطالبات ناسیونالیستی در آن نیست. اعتراض کارگران ایران ترانسفو در زنجان یک نمونه گویا از بیخاصیتی و بی تاثیری جریانات ناسیونالیستی در میان فعالین و معترضین کارگری است.

در مقیاس اجتماعی تر ماجرای توهین نشریه دولتی ایران و کاریکاتور سوسک و برنامه فتیله بود که ظاهرا فرصتی طلایی برای ناسیونالیسم ترک بود که با تحریک علیه مردم فارس زبان نیرو بگیرد. اما دیدیم که علیرغم تلاشهای بسیار برای ول کردن سموم قوم پرستانه به میان مردم معترض ، محتوای ضد رژیمی آن اعتراضات غالب بود و عملا به فرصتی برای ابراز انزجار و نفرت از حکومت اسلامی تبدیل شد.

با این همه جامعه آذربایجان در مقابل ویروس ناسیونالیسم واکسینه نیست و نباید خیالمان تخت باشد که باندهای ناسیونالیست قومپرست نمیتواند آب را گل آلود و خونین کنند. جامعه واکسینه نیست اما در مقابل اعتراضات کارگری، آزدیخواهی، انساندوستی، افکار پیشرو و سکولار، تلاشهای اجتماعی و سیاسی وسیع در مقابل همه جلوه های اقتدار اسلامی آنقدر گسترده و قوی هست که اولا همین الان میدان را برای عرض اندام جدی قومپرستان تنگ میکند و ثانیا امکان مقابله جدی با تحرک بعدیشان را فراهم میکند.

**انترناسیونال: قرار مصوب در کنگره 10 بر تقویت مبارزه علیه ناسیونالیسم ترک تاکید می کند، این مبارزه چگونه و از چه راههایی می تواند به پیش برده شود؟**

**محسن ابراهیمی:** در پاسخ به این سئوال لازم است روی این نکات تاکید کرد:

1- پیشفرض اصلی من این است که ناسیونالیسم قوم پرست که ادعای دفاع از حقوق "ملی" مردم تحت ستم را دارد از هر نوع و رنگش - از ناسیونالیسم ایرانی تا ناسیونالیسم ترک - تنها زمانی موضوعیت خود را از دست میدهد که تبعیض و ستم ملی در هیچ قالب و شکلی وجود نداشته باشد. جایی که ستم ملی باشد ناسیونالیسم قوم پرست هم میدانی برای ابراز وجود دارد که مثلا به نام دفاع از حقوق "ملت خود" اهدافش را پیش ببرد. به این معنا پایان دادن به موجودیت ایدئولوژی و خرافه ناسیونالیستی منوط به از میان بردن زمینه های سیاسی، طبقاتی و اقتصادی است. استقرار مناسباتی است که در آن همه شهروند برابر وآزاد باشند و همه از حقوق انسانی برابر برخوردار باشند. و روشن است که اولین قدم در این راه سرنگونی حکومت اسلامی است.

2- به طور دائم و تعطیل ناپذیر باید محتوای ضد انسانی افکار ناسیونالیستها ازهر دسته و نوعش را برای مردم افشا کرد. به طور مشخص باید منظما برای مردم نشان داد که هر ذره اشاعه افکار ناسیونالیستی در مقابل همبستگی مردم معترض و مخصوصا کارگران همدرد و هم مساله و همرزم خطر جدی در مقابل تلاش مردم برای رهایی است. خطر جدی در مقابل مبارزه مردم برای یک زندگی آزاد و برابر است. باید منظما به مردم نشان داد که ناسیونالیستها چه جنایاتی تحت نام خاک و ملت و استقلال علیه انسانهای منتسب به ملتهای دیگر مرتکب شده اند؛ چگونه هر جا به قدرت رسیده اند حکومتهای فاسد و چپاولگر سازمان داده اند و تسمه از گرده طبقه کارگر خودی کشیده اند. باید نشان داد که چگونه سرداران صرب وکروات و مسلمان در کشورهای مستقل بازمانده از فروپاشی یوگسلاوی هر کدام در کشورهای تازه تشکیل شده کارگران خودی را به خاک سیاه نشانده اند. باید نشان داد که چگونه در همین همسایگی خودمان بارزانی در اقلیم کردستان بساط لفت و لیس هزار فامیل بارزانی راه انداخته است و چگونه این جامعه به صحنه کشمکش هر روزه کارگران و مردم محروم "اقلیم کردستان" با رهبران ناسیونالیست و به اصطلاح وطن پرست کرد تبدیل شده است.

3- افشاگری و مبارزه علیه ناسیونالیسم ایرانی، علیه نژادپرستی منحط آرایی، علیه شوینیسم فارس هم یک وجه جدایی ناپذیر از مبارزه علیه ناسیونالیسم قوم پرست از جمله ناسیونالیسم ترک است. چرا؟ به این دلیل که هم تاریخا و هم مشخصا در شرایط کنونی، ناسیونالیسم ایرانی یک پای مهم اشاعه افکار برتری طلبانه و تحقیر آمیز علیه مردم غیر فارس زبان از جمله ترک زبانها بوده است. هرچقدر ناسیونالیسم برتری طلبانه آریایی-ایرانی دمش بیشتر چیده شود همانقدر میدان مظلوم نمایی ناسیونالیسم قوم پرست هم تنگتر میشود. توجه کنید که ستم علیه مردم اعمال میشود و ناسیونالیسم از آن استفاده سیاسی میکند. تاسیونالیسم مظلوم و ستمدیده وجود ندارد. ناسیونالیسم ممکن است در مقطعی در اپوزیسیون باشد اما هدفش نهایتا این است که در شکل قالب ایدئولوژیک نظم طبقاتی ظاهر شود و اگر دستش جایی بند باشد تبعیض و ستم و چپاول را تداوم بخشد.

4- باید نشان داد که ناسیونالیسم "بد و بدتر" نداریم چه رسد به ناسیونالیسم "خوش خیم" در مقابل بدخیم. رفتار و ادا و اطوار شاخه های مختلفش ممکن است باهم فرق کند اما ماهیتشان یکی است. مغایر با ابتدایی ترین انتظارات انسانی از حقوق انسانی است. به این معنا در مقابل جریانات ناسیونالیست نباید تعارف کرد، نباید کوتاه آمد، نباید با لکنت زبان حرف زد و نباید هم به نعل زد و هم به میخ. هر نیرو و جریان و شخصیتی که به هر زبانی و با هرایماء و اشاره و کنایه و استعاره ای بخشی از مردم را بر بخش دیگر برتر تلقی کند در اردوی ارتجاع و عقب ماندگی و خرافه سیاسی قرار دارد. هر کسی که بگوید "ملت من" مهمتر و تاریخی تر و اصیلتر و باشکوهتر و پاکتر و شایسته تر از "ملت شما" است به اردوی ارتجاع سیاسی تعلق دارد و به همین عنوان هم باید به جامعه معرفی شود.

5- مشخصا باید کارنامه ننگین و خونین خود ناسیونالیسم ترک در تاریخ منطقه را جلوی چشم مردم گرفت و نشان داد که اینها هر جا قدرت گرفته اند کاری جز سازماندهی چپاول کارگران خودی و جنایت علیه مردم منتسب به ملیتهای دیگر نداشته اند. نمونه اش جنایات ناسیونالیسم ترک در ترکیه - چه نوع نظامی آتا ترکی اش و چه نوع اسلامی اردوغانی اش - است. نمونه دیگرش خاندان الهام علی اوف در جمهوری آذربایجان است که یک مافیای فامیلی اقصادی - سیاسی ترک در آذربایجان راه انداخته اند.

6- و بالاخره باید تاکید کنم که افشاگری صرف کافی نیست. افشاگری برای افشاگری کافی نیست. برملا کردن ماهیت ارتجاعی ایدئولوژی ناسیونالیستی، افشای محتوای ضدانسانی و ضد کارگر ناسیونالیسم ترک همه باید در خدمت متحد کردن کارگران، متحد کردن همه انسانهای آزادیخواه، انسانهای سکولار، انسانهای خواهان برابری و آزادی در آذربایجان قرار گیرد. باید در خدمت متحد کردن، متشکل کردن این بخش مردم قرار گیرد. باید در خدمت قدرتمند کردن صدای این بخش مردم قرار گیرد.

**انترناسیونال: چه نیروهایی می توانند مبارزه علیه ناسیونالیسم را به پیش ببرند؟**

**محسن ابراهیمی:** همه نیروها، احزاب، سازمانها، صاحبنظران، فعالین کارگری، فعالین سیاسی و اجتماعی، و مردمی که آرزو و آرمانشان برابری و آزادی برای همه انسانهاست متعلق به اردوی بزرگ مبارزه علیه ایدئولوژی و خرافه ناسیونالیسم قرار دارند. همه اینها در جبهه سیاسی بزرگی در مقابل جبهه ای قرار دارند که آرمانش ضدیت با برابری انسانی است. هم در ایران و هم مشخصا در آذربایجان این نیروی بزرگی است. فقط کافی است این نیروها کانالی برای ابراز وجود سیاسی پیدا کند تا معلوم شود که در مقابل حاملان و حامیان خرافه برتری طلبی نژادی و ملی و قومی چه نیروی عظیم و قدرتمندی وجود دارد.

اولین و مهمترین و موثرترین و کارسازترین نیروی این صف طبقه کارگراست. مشخصا گرایش رادیکال، ضد سرمایه دار، انساندوست، چپ و سوسیالیست در میان طبقه کارگر است. فعالین وشخصیتهای انساندوست و رادیکال و مبارز طبقه کارگر است. آن فعالین جسور طبقه کارگر است که در فضای تیره و تاری که میلیاردرهای اسلامی و حکومتشان و همچنین نیروهای متلون ناسیونالیست ایرانی و آریایی و قوم پرست راه انداخته اند، سرافراشته از حقوق انسانی همه کارگران و همه مردم محروم دفاع میکنند.

گرایش رادیکال و آگاه و برابری طلب و چپ در میان طبقه کارگر، هم در کل ایران و هم در آذربایجان در این مبارزه تنها نیست. جامعه ایران به "یمن" حاکمیت چندین دهه ای ارتجاع اسلامی که اتفاقا در سالهای اخیر دست به توبره ایدئولوژی هم سنخش یعنی ناسیونالیسم ایرانی برده است، سرشار از روح آزادیخواهی و برابری طلبی و ضدیت با خرافه های مذهبی و ملی است. هر کسی که ریگی در کفش ندارد این حقیقت سیاسی را به وضوح می بیند.

به اطراف خود نگاه کنید. در مقابل و بر فراز لجنزاری که جمهوری اسلامی راه انداخته است، تحرکی عظیم از انساندوستی و دفاع از حرمت انسانی موج میزند. فعالین زیادی همراه بخشهای مختلف مردم مشغول فعالیتهای انساندوستانه هستند. مبارزه برای زندگی درخور انسان برای کارگران و اقشار محروم وهمه جامعه، تلاش برای رهایی کودکان کار و خیابان، دفاع از حرمت دختران و زنانی که زیر فشار خرد کننده اقتصادی و قوانین شریعت به خیابانها پرتاب شده اند، مبارزه برای آزادی و برابری زنان، دفاع از قربانیان اعتیاد یعنی قربانیان قاچاقچیهای حکومتی، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی اندیشه و نقد مقدسات مذهبی، اعتراض علیه اعدام، اعتراض به تخریب سازمانیافته محیط زیست و دفاع از حقوق حیوانات و دهها اعتراض انسانی دیگر نشانگر مصاف بزرگ دو جبهه ای است که کارشان فقط با شکست یکی و پیروزی دیگری میتواند به فرجام برسد.

 **انترناسیونال: حزب و کمیته آذربایجان برای مقابله با ناسیونالیسم عموما و مشخصا ناسیونالیسم ترک چه اقداماتی را در دستور کار خود دارد؟**

**محسن ابراهیمی:** درسئوالات قبل به جوانبی از پاسخ به این سئوال پرداختیم. اینجا فقط نکاتی را اضافه میکنم.

اولین و مهمترین و مشخصترین کار حزب علیه ارتجاع ناسیونالیستی مبارزه برای سرنگونی حکومت سرمایه داری اسلامی است که در حال حاضر منشاء اصلی تبعیض از جمله تبعیض و ستم ملی علیه بخشهای مختلف مردم است. یک و جه مهم تلاش و مبارزه حزب تامین اتحاد و همبستگی میان طبقه کارگر کل ایران، تامین اتحاد و همبستگی میان فعالین و بخشهای مختلف مردم معترض در کل جغرافیای سیاسی ایران است.

از منظر حزب، ناسیونالیسم ایرانی، آریایی، عظمت طلب، شوینیست، ضد ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره چه در قالب اپوزیسیون و چه آنجا که خود جمهوری اسلامی به آن متوسل میشود، تلاش و تحرکی علیه مبارزه بحق مردم علیه نظام اسلامی است. حزب با پرچم آزادی، برابری، حقوق برابر شهروندی همه آحاد و افراد جامعه به مصاف حکومتی میرود که با پرچم تبعیض و نابرابری به جنگ کل جامعه رفته است.

در متن این مبارزه همه جانبه علیه حکومت اسلامی و انواع برتری طلبی نژادی و ناسیونالیستی، کمیته آذربایجان به طور ویژه مقابله با ناسیونال - فاشیسم ترک را در دستور دارد.

بعد از تصویب قرار "نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن" در کنگره 10 حزب، کمیته آذربایجان حزب نقشه عمل شش ماهه ای را در دستور گذاشته است که محور آن این است: دشمن بلافاصله و مستقیم طبقه کارگر، زنان و جوانان مدرن و سکولار و پیشرو فقط و فقط حکومت اسلامی سرمایه داران است. جریانات ارتجاعی ناسیونالیستی، بخشا در قالب اپوزیسیون نقش مخرب در مقابل همبستگی سیاسی علیه رژیم اسلامی ایفا میکنند. ناسیونالیسم ترک بخشی از این جریانات مخرب است که موضوع مستقیم کار و فعالیت کمیته آذربایجان است.

ما به عنوان تشکیلات آذربایجان حزب کمونیست کارگری علیه جمهوری اسلامی اعلام جنگ کرده ایم. اما در عین حال هر جریانی که مشغول نفاق افکنی و نفرت پراکنی میان بخشهای مختلف طبقه کارگر، میان کارگران ترک زبان وکرد زبان، میان بخشهای مختلف مردم است عملا و مستقیما در خدمت حکومت اسلامی است و به این معنا مقابله با آن جایگاه مهمی در فعالیتهای ما اعضا و فعالین کمیته آذربایجان دارد.

در نقشه عمل شش ماهه با جزئیات در باره استفاده از همه امکانات تبلیغی و سازمانی صحبت کرده ایم که با بکار گرفتنشان اولا همه جانبه و بیرحمانه ناسیونالیسم را افشا خواهیم کرد و ثانیا تلاش خواهیم کرد به سخنگو و صدا و کانال متحد و مشکل شدن نیروی بزرگ آزادیخواهی و برابری طلبی درآذربایجان تبدیل شویم.

روشن است که تحقق چنین هدفی دنیایی از کار روی دوش ما میگذارد و رسیدن به آن تلاشی به مراتب وسعیتر وجدی تر و همه جانبه تر از گذشته لازم دارد. \*

منتشر شده در انترنایوسیونال شماره 706

18 فروردین 1396 - 7 آوریل 2017